

نهج البلاغه

نامه‌ای به فرزند

فرهنگ، اخلاق و تربیت در نهج البلاغه

به انتخاب: حسین نقوی شاهکوئی

مدیر و معاون آموزشگاه استثنایی شهید گولانی علی‌آباد کتول، استان گلستان

نظام تعلیم و تربیت برای شکل‌گیری، تقویت و استحکام خود به آرا و اندیشه‌های برخاسته از متن فرهنگ و مکتب خود نیاز دارد. موضوع تعلیم و تربیت «انسان» است و طراحی نظام صحیح و جامعی برای تعلیم و تربیت انسان، تنها از ناحیه وحی ممکن خواهد بود.

در این مقاله به برخی از ابعاد نامه ۳۱ نهج البلاغه امام علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) اشاره می‌کنیم و نگاهی هم به تعلیم و تربیت در نهج البلاغه می‌کنیم.

فرزندمی آرزومند بیش از توان، رونده راه نابودشدگان، هدف بیماری‌های دنیوی، در گرو روزگار، در تیررس مصائب، گرفتار دنیا، اسیر مرگ، هم‌سوگند رنج‌ها، هم‌نشین اندوه‌ها، آماج بلاها و جان‌نشین گذشتگان.

● **ضرورت یاد مرگ:** دلت را با یاد مرگ آرام کن. به نابودی از او اعتراف گیر و با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی‌بخش. او را از دگرگونی روزگار و زشتی‌های گردش شب و روز بترسان. تاریخ گذشتگان را بر او بنما و آنچه را بر سر پیشینیان آمده است به یادش آور.

● **امر به معروف و نهی از منکر:** به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش. با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن و بکوش از بدکاران دور باشی.

در نامه ۳۱ نهج البلاغه، ضمن بیان توحید، عظمت پروردگار و... مهم‌ترین نیازهای زندگی مادی و معنوی انسان مطرح شده‌اند که در ذیل به صورت مختصر به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

● **خودسازی با یاد خدا:** پسر، همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی و دلت را با یاد خدا زنده کنی. فرزندم، دلت را با اندرز نیکو زنده کن. هوای نفس را با بی‌اعتنایی به حرام بمیران. جان را با یقین نیرومند کن و با نور حکمت روشنایی‌بخش.

● **توجه به حوادث روزگار:** از پدری فانی، اعتراف‌کننده به گذشت زمان، زندگی را پشت سر نهاده، مسکن گزیده در جایگاه گذشتگان و کوچ‌کننده فردا، به

● **توکل:** در تمام کارها خود را به خدا واگذار که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای.

● **تحمل سختی‌ها برای رسیدن به حق:** و برای حق، هر کجا که باشد، سختی‌ها را تحمل کن.

● **صبر و استقامت:** و خود را بردبارانه بر ناملایمات عادت ده. نیکو صفتی است شکیبایی در راه حق.

● **تلاش در راه کسب کمالات نفسانی جاودان:** بدان که راهی که پیش رو داری بسیار دور و بسی سهمگین است و تو در آن راه، از نیک‌خواهی و توشه‌برداری، به مقداری که تو را سبک‌بار به سرمنزل برساند، بی‌نیاز نیستی. هرگز مباد که بیش از توان، شانه زیر بار دهی که سنگینی‌اش و بالت خواهد بود.

● **از حرص و آرزوی برحذر بودن:** بپرهیز از آنکه مرکب طمع‌ورزی تو را به سوی هلاکت به پیش راند.

● **کظم غیظ:** خشم را آهسته‌آهسته فروخور، زیرا من نوشیدنی شیرین‌تر و گواراتر از آن ندیده‌ام. درباره کسی که با تو به خشم و درشتی برخورد کند، نرم باش، زیرا دیری نخواهد گذشت که او نیز با تو نرم خواهد شد.

● **شتاب در تربیت فرزند:** پسر، هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی‌ام رو به کاستی رفت، به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را برای تو بر شمردم؛ پیش از آنکه اجل فرا رسد در حالی که رازهای درونم را به تو منتقل نکرده باشم. پیش از آنکه در نظرم کاهشی پدید آید، چنان که در جسمم پدید آمد. و پیش از آنکه خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت مشکل شود.

● **روش تربیت فرزند:** در آغاز تربیت تصمیم گرفتم کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.

● **مطالعه تاریخ:** پسر، درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام. بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان‌بارش شناسایی کردم. سپس از هر چیزی، مهم و ارزشمند آن را، و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را، برای تو برگزیدم.

● **توجه به معنویات:** پسر، در وصیت من درست بیندیش. بدان که در اختیاردارنده مرگ همان است که زندگی در دست اوست و او پدیدآورنده موجودات است. همو می‌میراند، و نابودکننده همان است که دوباره زنده می‌کند. و آنکه بیمار می‌کند شفا نیز می‌دهد. بدان که دنیا جاودانه نیست و آن‌گونه که خدا خواسته، برقرار است ... پس به قدرتی پناه بر که تو را آفریده، روزی داده و اعتدال در اندام تو آورده است. بندگی تو فقط برای او باشد. تنها اشتیاق او را داشته باش و تنها از او بترس.

● **آخرت‌گرایی:** پسر، من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست‌شدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است، اطلاع دادم، و برای هر دو مثال‌ها زدم تا پندپذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی. همانا داستان آن کس که دنیا را آزمود، چونان مسافرانی است که در سر منزلی بی‌آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می‌کنند و جدایی دوستان را می‌پذیرند و سختی سفر و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می‌کنند تا با آرامش به جایگاهی وسیع و منزلگاهی امن قدم بگذارند.

● **معیارهای روابط اجتماعی:** پسر، نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده. پس آنچه را برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار. و آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند. ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند.

● **تلاش در جمع‌آوری زاد و توشه:** راهی پرمشقت و بس طولانی در پیش رو داری. در این راه، بدون کوشش بایسته و تلاش فراوان و اندازه‌گیری زاد و توشه و سبک کردن بار گناه، موفق نخواهی بود. بیش از تحمل خود بار مسئولیت بر دوش منه، که سنگینی آن برای تو عذاب‌آور است.

● **توبه:** خداوند در صورت ارتکاب گناه در توبه را مسدود نکرده است. در کیفر تو شتاب نداشته و در توبه و بازگشت، بر تو عیب نگرفته است. در آنجا که رسوایی سزاوار تو است، رسوایت نساخته و برای بازگشت به خویش شرایط سنگینی مطرح نکرده است. در گناهان تو را به محاکمه نکشیده و از رحمت خویش ناامیدت نکرده، بلکه بازگشت تو از گناهان را نیکی شمرده است.

● **توجه به دعا:** و از گنجینه‌های رحمت او چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند. هر گاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود، و چون با او راز

دل‌گویی، راز تو را می‌داند. پس حاجت خود را با او بگویی و آنچه در دل داری، نزد او باز گویی. غم و اندوه خود را در پیشگاه او مطرح کن تا غم‌های تو را بر طرف و در مشکلات تو را یاری کند.

● **شناخت دنیاپرستان:** همانا دنیاپرستان چونان سگ‌های درنده، عوعوکنان، برای دریدن صید در شتاب‌اند. برخی به برخی دیگر هجوم آورند، و نیرومندشان، ناتوان را می‌خورد، و بزرگ‌ترها کوچک‌ترها را. یا چونان شترانی هستند که برخی از آن‌ها پای‌بسته و برخی دیگر در بیابان رهاشده، راه گم کرده و در جاده‌های نامعلومی در حرکت‌اند و در وادی پر از آفت‌ها و در شن‌زاری که حرکت با کندی صورت می‌گیرد، گرفتارند. نه چوپانی دارند که به کارشان برسد و نه چراننده‌ای که به چراگاهشان ببرد. دنیا آن‌ها را به راه کوری کشانده و دیدگان‌شان را از چراغ هدایت پوشانده. در بیراهه سرگردان و در نعمت‌ها غرق شده‌اند. داستان دنیاپرستان همانند گروهی است که می‌خواهند از جایگاهی پر از نعمت‌ها به سرزمین خشک و بی‌آب و علف کوچ کنند. پس در نظر آنان چیزی ناراحت‌کننده‌تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می‌شوند و ناراحتی‌ها را باید تحمل کنند.

● **واقع‌نگری در زندگی:** به یقین بدان که تو به همه آرزوهای خود نخواهی رسید و تا زمان مرگ بیشتر زندگی نخواهی کرد و بر راه کسی می‌روی که پیش از تو می‌رفت. پس در به‌دست‌آوردن دنیا آرام باش و در مصرف آنچه به دست آوردی نیکو عمل کن؛ زیرا چه بسا تلاش بی‌اندازه برای دنیا، که به تاراج‌رفتن اموال کشانده شد. پس هر تلاشگری به‌روزی دلخواه نخواهد رسید، و هر مداراکننده‌ای محروم خواهد شد. نفس خود را از هرگونه پستی باز دار؛ هر چند تو را به اهداف برساند.

● **حقوق دوستان:** چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن. اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن و چون بخل ورزد، تو بخشنده باش. هنگامی که دوری می‌گزیند، تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد، تو آسان گیر و به هنگام گناهش عذر او بپذیر، چنان‌که گویا بنده او می‌باشی و او صاحب نعمت توست. دوست آن است که در نهان آیین دوستی را رعایت کند.

● **ارزش‌های اخلاقی:** پسر، بدان که روزی دو قسم است: یکی آنکه تو آن را می‌جویی و دیگر آنکه او تو را می‌جوید و اگر تو به‌سوی آن نروی، خود به‌سوی تو خواهد آمد. چه زشت است فروتنی به هنگام نیاز و ستمکاری به هنگام بی‌نیازی. همانا سهم تو از دنیا آن اندازه خواهد بود که با آن سرای آخرت را اصلاح کنی. برای چیزی که از

دست دادی ناراحت نشو و از سخنان بی‌ارزش و خنده‌آور بپرهیز؛ اگر چه آن را از دیگری نقل کرده باشی.

● **تمسک به ریسمان الهی:** استوارترین وسیله‌ای که می‌توانی به آن چنگ زنی، رشته‌ای است که بین تو و خدای تو قرار دارد.

● **توجه به خویشاوندان:** خویشاوندانت را گرامی دار، زیرا آن‌ها پر و بال تو هستند که با آن پرواز می‌کنی. ریشه تو هستند که به آن‌ها باز می‌گرددی و دست نیرومند تو هستند که با آن حمله می‌کنی.

تعلیم و تربیت در نهج‌البلاغه

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه اول نهج‌البلاغه، در انگیزه و هدف فرستادن پیامبران الهی برای مردم می‌فرماید: «پیامبرانش را در میان آن‌ها مبعوث ساخت و پی‌درپی رسولان خود را به‌سوی آن‌ها فرستاد تا پیمان فطرت را در آن‌ها مطالبه کنند و نعمت‌های فراموش‌شده را به یاد آن‌ها آورند و با ابلاغ دستورهای خدا، حجت را بر آن‌ها تمام و گنج‌های پنهانی عقل‌ها را آشکار کنند.»

پس از بررسی و تبیین فضای تربیت، سؤال این است که چه کسی می‌تواند مسئولیت این مهم را به عهده بگیرد؟ امام علی (ع) در حکمت ۷۳ نهج‌البلاغه به این سؤال پاسخ می‌دهد:

کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت قرار می‌دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویش بپردازد و تأدیب او به عملش، پیش از تأدیب او به زبانش باشد. کسی که معلم و ادب‌کننده خویش است، به احترام سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی دیگران است.

امام علی (ع) در این کلام دو مطلب اساسی را در موضوع «تربیت» بیان فرموده‌اند:

۱. مربی و معلم باید قبلاً خودش دانش‌آموخته و تربیت‌شده باشد، آنگاه مربی و معلم دیگران شود. سخن گفتن و خطابه و وعظ بدون آگاهی، به جز انحراف و اضلال و گمراهی نتیجه‌ای ندارد (زهدات، ص ۱۱۴).
۲. واعظ و مربی باید با عمل خود دیگران را تربیت و هدایت کند. گفتار بدون عمل نه تنها موجب هدایت نمی‌شود، بلکه گاهی ممکن است اعتماد را سلب کند و موجب گمراهی شود.

و اما فرمایش امام علی (ع) به این معناست که شخصی که به تربیت خود بپردازد، بیشتر شایسته احترام است از کسی که به تربیت مردم پرداخته و از خود غافل است. اما شخصی که هم خودسازی کرده و هم مردم را تربیت می‌کند، مسلماً برتر است از کسی که تنها گلیم خود را از آب می‌کشد.

منابع

۱. همایون رستمی. سعید بهشتی محسن. ایمانی. نظام تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه. ۱۳۹۷.
۲. عبدالمجید زهدات (۱۳۹۲). تعلیم و تربیت در نهج‌البلاغه. چاپ ششم. قم. مؤسسه بوستان کتاب.
3. islamquest.net